

باب پنجاه و پنجم - جواب سائل از آیه لوح حکما

حضرت عبدالبهاء

نسخه اصل فارسی



از آثار حضرت عبدالبهاء - مائده آسمانی، جلد ۲، صفحه ۶۸ - ۷۰

باب پنجاه و پنجم - جواب سائل از آیه لوح حکما

در لوحی میفرمایند :

هو الله

ای منادی پیمان، سؤال از دو مسئله مهمه نموده بودید که تفسیر دو آیه از آیات الهی است این دو آیه را شرح و تفصیل یک سفر جلیل لازم و عبدالبهاء علیل و مشاغل و شواغل عظیم و مکاتیب از شرق و غرب مانند غیث هاطل متواصل و سؤالات یجد و حساب و ترتیب و تنظیم امور عموم بی پایان با وجود این چگونه توان تفسیر باین تفصیل نمود بحالی بجای که این دو آیه کریمه تشریح شود لذا مختصراً بیانی میگردد: "قد کان ما کان و لم یکن مثل ما تراه الیوم" از این آیه مبارکه واضح و مشهود که کون در ترقیست چنانکه در نزد حکما و فلاسفه قوم نیز این مسئله مسلم است که عالم وجود در نشو و ترقیست یعنی از حالی بحالی دیگر انتقال نموده است اما بعضی از فلاسفه اروپا را ظن و گمان چنان که ترقی از جنس بنوع است مثلاً حیوان ترقی کرده است تا انسان شده است ولی در نزد انبیا این قول غیر مقبول چنانکه در کتاب مفاوضات موجود است بلکه ترقی و نشو در نفس نوع است مثلاً نطفه تدرج در عالم علقه و مضغه و جنین و شیرخواری و طفولیت و بلوغ نماید تا برسد رسد حال نفس نوع ترقی نموده یعنی از عالم نطفه که عبارت از جنبنده ای هست نشو و نما نموده و ترقی کرده تا بمقام احسن الخالقین رسیده و ما کان تکون من الحرارة المحدثه یعنی ماده و هیولای کاینات قوه اثیریّه است و غیر مشهود و بآثار مثبت و آثار از جمله قوه کهربائی و ضیاء و حرارتست که امواج اوست و این در حکمت طبیعیه محقق و مثبت و ماده اثیریّه نامند آن ماده اثیریّه فاعل و منفعلست یعنی در عالم کاینات جسمانی آیت مشیت اولیه است خلق الله الناس بالمشیه و خلق المشیه بنفسها لهذا آن ماده اثیریّه از جهتی فاعلست زیرا چون امواج در او ظاهر گردد نمودار شود مثلاً ضیاء امواجی است که در آن ماده اثیریّه حاصل میشود و از آن امواج قوه باصره متأثر میگردد و تأثیر مشاهده است چنانکه در هوا امواج حاصل میشود از آن امواج عصب صماخ گوش متأثر میشود آن تأثیر صوتست و آن اثر استماع و اما آیه مبارکه قل انّ الطبیعة بکینونتها مظهر اسمی المبتعث و المکون چون حکمای سلف و خلف بر آنند که طبیعت کلیّه محسوس نگردد و مکشوف نشود ادراک عاجز است عقل قاصر ولی این حوادث عالم کون از مقتضیات آن طبیعتست مانند نوم و جوع و عطش که از مقتضیات جسم انسانیت و مانند احراق نار که از مقتضیات آتست باری



ORIGINAL

جميع شئون و حوادث و وقایع حتّی حرکت سلسله موجودات و نشو و نمای کاینات را نسبت بطبیعت می‌دهند و آن طبیعت را مبدأ کاینات می‌شمرند می‌فرماید این طبیعتی که شما مبدأ کاینات و مصدر موجودات می‌شمارید مظهر اسم مبتعث و مکون من است یعنی ذات مقدّس که لا یعرف و لا یدرک و لا ینعت و لا یوصف است بتصور نیاید و ادراک نشاید و مبرا از هر نعت و محامد و اوصافست حتّی از تعبیر علّة العلل نیز منزّه است این علّت اولی مصدر کائناتست و تعبیر بطبیعت کلّیه مینماید زیرا آن حقایق و شئونی که حکماء بجهت طبیعت کلّیه می‌شمارند همان شئون و کمالاتی است که در کتب الهیه بجهت مشیّت اولیه بیان شده است واضح است که مشیّت اولیه مظهر اسم مکنونست بیش از این فرصت نیست" انتہی

(لوح جناب شیخ علی اکبر قوچانی شهید)